

Journal of Islamic Education Research

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 8, No. 2, Serial 14, 2019

***Exploring the Role and Position of Tongue and Language in
Self-Purification Based on the Ideas of Nizami Ganjavi***

A. Mohammadian¹, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, iran. mohammadian@hsu.ac.ir

R. Sadeghi, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, iran.

Abstract: The philosophical and ethical thoughts of Nizami Ganjavi on educating human soul and the tendency towards spiritual journey in his Panj Ganj (Five Treasures) are clearly evident. Based on an educational approach, the present study investigated the role and position of tongue as a useful or detrimental tool in self-purification with the aim of explaining the educational thoughts of Nizami Ganjavi. The significance of this research was that it attempted to introduce the alignment of the poet's educational goals with Islamic teachings as well as the relationship of poetry and literature with the field of Islamic education. The research findings revealed that from the point of view of Nizami, tongue has both good and evil aspects. On the one hand, it is a leading component of speech and the instrument of praise and eloquence. On the other hand, it is a fleshy muscular organ of the body that, when moved untimely, brings misery to the audience and gets the speaker trapped into backbiting, telling lies, gossiping and other sins of tongue. Paying due attention to self-education in the light of recognizing the benefits and disadvantages of speaking in relation to self and other was also emphasized by

¹ Corresponding Author

Nizami. For him, the origin of some sins of tongue might be jealousy, irascibility, impudence, ignorance and even the positive or negative influence of nature and essence. Therefore, the poet recommended humans use tongue and language complying with the conditions of the time and in a moderate manner.

Keywords: Benefits of tongue, Evils of tongue, Speaking manners, Self-purification, Nizami Ganjavi.

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

واکاوی نقش و جایگاه زبان در تهذیب نفس

با تکیه بر اندیشه های حکیم نظامی گنجه ای

عباس محمدیان^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

mohammadian@hsu.ac.ir

ریحانه صادقی

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

چکیده

تأملات حکمی و اخلاقی حکیم نظامی در باب تربیت نفوس انسانی و گرایش به سیر و سلوک معنوی در «پنج گنج» وی مقوله ای انکارناپذیر است. در پژوهش حاضر که با رویکرد تعلیمی- تربیتی سامان یافته است، با هدف تبیین اندیشه های تربیتی حکیم نظامی، نقش و جایگاه زبان به عنوان ابزاری سودمند یا زیان بخش در تهذیب نفس بررسی می شود. اهمیت پژوهش در آنجاست که هم سویی اهداف تربیتی شاعر را با آموزه های اسلامی و نیز، پیوند شعر و ادب را با حوزه تعلیم و تربیت اسلامی برای مخاطب بازمی نماید. یافته های تحقیق نشان می دهد که زبان در نگاه نظامی دو جنبه خیر و شر دارد؛ از یک سو، علمدار دیوان سخن و ابزار تسبیح و تحمید و سخن پروری است و از دیگر سو، پاره گوشتی است که چون

^۱. نویسنده مسئول

بی‌هنگام به جنبش درآید، مستمع را به ملال آورده و گوینده را در دام آفاتی چون غیبت، دروغ، سخن-چینی و دیگر گناهان زبان گرفتار می‌کند. توجه به تربیت نفس در پرتو شناخت فواید و آسیب‌های ناشی از گفتار در رابطه با خود و دیگری نیز، نکته‌ای است که نظامی بدان روی آورده‌است. وی منشأ برخی گناهان زبانی را در ابتلای صاحب آن به حسادت، تندخویی، بی‌آزرمی، جهالت و حتی تأثیر مثبت یا منفی طبع و گوهر می‌داند؛ بنابراین، آنچه شاعر در این باره بدان توصیه می‌کند، رعایت اقتضای حال و مقام و اعتدال و میانه‌روی در کاربست زبان است.

واژه‌های کلیدی: فواید زبان، آفات زبان، آداب سخن، تهذیب نفس، نظامی گنجوی

۱- مقدمه

حکیم نظامی گنجوی شاعری مسلمان و پایبند به اصول و موازین اسلامی در قرن ششم هجری بود که به دلیل التزام به شریعت و بهره‌وری از آموزه‌های قرآن، در منظومه‌های خود به جنبه‌ی تعلیم و تربیت انسان توجهی بارز داشته‌است. او هر جا که اقتضای کلام ایجاب نموده، سخن را در خدمت گسترش تعالیم اخلاقی و تربیتی به کار گرفته‌است:

ز هر یادی که بی‌او لب بگردان ز هر چ آن نیست او مذهب بگردان
(نظامی، ۱۳۸۳: ۳۴۳)

در آن ساعت که باشد نشو جان‌ها گل تسبیح روید بر زبان‌ها
زبان هر که او باشد برومند شود گویا به تسبیح خداوند
(همان: ۲۷۵)

(نیز: ۹۵۲، ۹۷، ۱۲۴ و ...).

اگرچه نظامی بیش از هر چیز به‌عنوان بزرگ‌ترین داستان‌سرای ادب فارسی شناخته‌شده، با این وصف، با تأمل در منظومه‌های پنجگانه‌ی وی می‌توان گزاره‌های تربیتی ارزشمندی را دریافت

که شاید کمتر بدان پرداخته شده باشد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد، اذعان به این نکته است که هدف حکیم از سرودن این شاهکار بزرگ، تنها بیان داستان و صور خیال و هنرنمایی نبوده است. اهتمام به تربیت نفوس انسانی، مراقبت از دل، تزکیه و تهذیب نفس در سایه ریاضت بر پایه دین و معادباوری از گام های اصلی تربیتی حکیم نظامی به شمار می رود. این موضوع بیش از همه در «مخزن الاسرار» و در طی خلوت های شبانه در پی شناخت دل مذکور است:

دور شو از راهزنان حواس	راه تو دل داند، دل را شناس ...
زنده به جان خود همه حیوان بود	زنده به دل باش که عمر آن بود ...
دل به زبان گفت که ای بی زبان!	مرغ طلب بگذر از این آشیان
آتش من محرم این دود نیست	کان نمک این پاره نمک سود نیست
سایم از این سرو توانا تر است	پایم از این پایه به بالاتر است ...
بشنو از این پرده و بیدار شو	خلوتی پرده اسرار شو
جسمت را پاک تر از جان کنی	چون که چهل روز به زندان کنی ...
قدر دل و پایه جان یافتن	جز به ریاضت نتوان یافتن
سیم طبایع به ریاضت سپار	زرّ طبیعت به ریاضت برآر
تا ز ریاضت به مقامی رسی	کت به کسی درکشد این ناکسی
توسنی طبع چو رامت شود	سکه اخلاص به نامت شود ...
سر ز هوا تافتن از سروری است	ترک هوا قوت پیغمبری است
گر نفسی نفس به فرمان توست	کفش بیاور که بهشت آن توست
از جرس نفس برآور غریو	بنده دین باش نه مزدور دیو
در حرم دین به حمایت گریز	تا رهی از کشمکش رستخیز

(نظامی، ۱۳۸۳: ۵۴۰، ۳۲، ۷۷۵)

از منظر اخلاق‌شناسان، مهم‌ترین اصل تربیتی غیر از تعدیل غرایز و توجه به جسم، عنایت به تربیت عقلانی و پرورش نفس ناطقه است که انسان را از حیوان متمایز می‌کند (اسدی گرمارودی، ۱۳۶۹: ۱۱۶)؛ بنابراین، نخستین مسئله در مباحث معرفتی، معرفت نفس است و در این راستا، تربیت و تهذیب نفس و آماده‌سازی دل برای نیل به کمال حقیقی انسان از اهمیت شایانی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای کسب صفای درون، توجه به گفتار و نحوه به کارگیری زبان و رابطه دل با آن است؛ بر این اساس، توجه به جایگاه و نقش زبان در مباحث تربیتی و تهذیب نفس ضرورت دارد.

آنچه پیش از همه در باب تربیت نفس مورد توجه نظامی بوده است، نقش و جایگاه زبان به‌عنوان ابزار شقاوت یا سعادت بشری است. نظامی، زبان را دربان درگاه دل می‌داند که چون صاحب آن به سخن درآید، پرده از مکنونات قلب برمی‌دارد و آنچه در نهانخانه دل پنهان داشته، بر همگان فاش می‌کند (نظامی، ۱۳۸۳: ۸۲۱). وی برای سخن، قدر و منزلتی خاص قایل است؛ از این رو، برای آن شرایط و آدابی را فراروی مخاطب قرار می‌دهد. این آداب یا به عبارتی شیوه‌های تربیتی، به دو شکل مستقیم در مواعظ تعلیمی و یا غیرمستقیم در گفت‌وگوی اشخاص داستان و یا به طریق تمثیل از زبان حیوانات در بین حکایات منظومه‌ها دریافت می‌گردد. این شیوه‌های تربیتی محصور در کلاس و مدرسه نیست؛ بلکه مربی در هر مکان و موقعیتی، با رعایت اقتضای حال مرتبی لازم است نکات و آموزه‌های اخلاقی را به وی تعلیم دهد. تعلیم و تربیت به لحاظ معنایی با یکدیگر مرتبط‌اند و به معنای فرایند و جریانی هستند که در آن استعداد‌های ذاتی و بالقوه موجود با فراهم‌نمودن شرایط، رشد و پرورش می‌یابند و به فعلیت می‌رسند (علوی، ۱۳۸۷: ۱۶، ۱۹؛ نیکزاد، ۱۳۷۱: ۷۴). اینکه موضوع تربیت برای انسان به طور خاص مطرح می‌گردد، از آن روی است که موجودات دیگر نیازی به تعلیم ندارند و چنانچه زمینه رشد برای آنها مهیا گردد، استعداد درونی آنها به فعلیت می‌رسد؛ ولی در مورد انسان، این تربیت به تعلیم و یادگیری نیاز خواهد داشت (اسدی گرمارودی، ۱۳۶۲: ۱۶).

آنچه از سخنان نظامی درباره مفهوم تربیت برمی آید، آن است که هوش و استعداد خدادادی بدون تلاش و کوشش انسان به فعلیت نمی رسد؛ از طرفی، نباید نقش اساسی «تعلیم» را در کنار جهد و تلاش فردی در جهت نیل به کمال و سعادت از نظر دور داشت:

ای بسا تیزطبع کاهل کوش که شد از کاهلی سفال فروش
و ای بسا کوردل که از تعلیم گشت قاضی القضاة هفت اقلیم
(نظامی، ۱۳۸۱: ۵۱۷)

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

نفس در اصطلاح علوم تربیت و اخلاق، به خود انسانی انسان اطلاق می شود که دارای درجات و مراتب است و گاه گوهری گرانبها و ملکوتی و گاه منشأ بدی و فحشا خواهد بود. مرتبه عالی آن مهذب و مرتبه دانی آن حیوانی و مذموم است (وحدتی شبیری، ۱۳۹۴: ۳۷). گاه موانعی چون حب دنیا، کبر، آز، حسد، خشم و دیگر رذایل پیش روی نفس ناطقه قرار می گیرد و آن را از حرکت و رشد بازمی دارد. بعضی از این گناهان منشأ درونی دارد و به عدم تعادل میان قوای درونی انسان بازمی گردد و علت برخی دیگر، بیرونی است و به اعضا و جوارح انسان مربوط می شود؛ مثلاً گناهانی چون پرگویی، غیبت، تهمت، تمسخر، بدگویی و نزاع با مردم به عامل بیرونی ای چون «زبان» بازمی گردد. علمای اخلاق، مفسد این عضو را از آفات سایر جوارح افزون تر می دانند (نراقی، ۱۳۷۸: ۵۸۴)؛ بر این اساس، رویکرد ما نیز در این پژوهش، چنانکه از عنوان برمی آید، واکاوی نقش «زبان» در تهذیب نفس به عنوان یکی از مباحث مهم تربیتی در آثار نظامی خواهد بود؛ چراکه بررسی و بازنمایی این موضوع در منظومه های ادبی نظامی برای آشنایی با اندیشه های تعلیمی حکیم در حوزه تربیت اسلامی و دینی مؤثر خواهد بود و نشان می دهد که نظامی، علاوه بر داستان سرایی به جنبه های اخلاق و تربیت نیز، نگاهی عالمانه و در عین حال شاعرانه دارد؛ همچنین، به دلیل آنکه پژوهش ها درباره تعالیم اخلاقی و تربیتی نظامی (و به طور

خاص درباره جایگاه و نقش زبان در تهذیب نفوس) به نسبت با داستان‌پردازی‌های وی کمتر انجام گرفته است، ضرورت دارد تا به این مقوله توجه بیشتری گردد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش نویسندگان، معطوف به مقوله جایگاه سخن از منظر حکیم نظامی و یا در حوزه زبان و شعر و سبک‌شناسی سخن وی بوده است (احتشامی هونه‌گانی، ۱۳۷۲: ۱۱۸-۱۲۹؛ میرهاشمی، ۱۳۷۱: ۴۳۳-۴۵۰؛ قاسمی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۶). پرداختن به مباحث زاهدانه و عارفانه حکیم و ترسیم آرمان‌شهر و مدینه فاضله نیز، در حوزه کار محققان بوده است (قبادی، حسینعلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷-۸۶؛ فلاحی، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۷؛ محرمی و سروری، ۱۳۹۲: ۲۹-۴۴). زرین کوب در «پیر گنج در جستجوی ناکجا آباد» (۱۳۸۳: ۲۴۹-۲۸۱) بخشی را به اندیشه‌های کلامی و فلسفی در منظومه‌های شاعر اختصاص داده است. در «اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای» نیز، با نگرشی کلی به مباحث اخلاقی پرداخته شده و تنها در صفحاتی از این اثر نیز، اشاره‌ای به حفظ زبان شده است (ثروتیان، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۵)؛ همچنین، در فصل سوم «گنجینه حکمت در آثار نظامی» (ثروت، ۱۳۷۰: ۱۶۷-۱۷۰) که به تهذیب نفس در آثار نظامی اشاره دارد، به آداب سخن نیز اشاره‌ای کوتاه شده است.

تا آنجا که بررسی شد، موضوع محاسن و معایب زبان به عنوان کلید اساسی تهذیب نفس به روایت حکیم نظامی، موضوع تازه‌ای در ادبیات تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی و سلوکی نظامی است که پژوهشگران به طور خاص بدان پرداخته‌اند.

۲- بحث

«عمل تربیت»، راهنمایی، انتقال مفاهیم، پرورش، تأثیر عمده و برنامه‌ریزی شده، ارائه نوعی زندگی، ایجاد شرایط و رفع موانع است که در نهایت برای «تربیت»، یعنی به فعلیت درآوردن

استعدادها و توانایی‌های بالقوهٔ متربی شکل می‌گیرد (ربّانی، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲). اگر بپذیریم که تعیین اهداف تعلیم و تربیت از نوع نگرش انسان به جهان سرچشمه می‌گیرد، باید بگوییم که در تربیت دینی و اسلامی، نگرشی الهی حاکم است که غایت هدف آن، نیل انسان به مقام قرب الی الله است. این هدف با تحقق و پرورش استعدادهای بالقوه و ایجاد تعادل در قوای درونی انسان برای خداگونه شدن است (ماهر و بختیاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۴). در معنویت دینی و به خصوص معنویت از دیدگاه اسلام، فرد با تربیت نفس بر اساس راهکارهایی که دین معرفی نموده، می‌تواند به عالی‌ترین مرحلهٔ کمال نفس و قدرت معنوی روح نایل گردد و به عبارتی، با نیل به مقام انسان کامل، محظوظ در عالم اسما و صفات الهی گردد؛ در حالی که در معنویت غیر دینی، توجه تنها به قدرت روح از راه کنترل و تهذیب نفس صورت می‌پذیرد و فرد با کاهش نقش محسوسات و انجام دادن ریاضت‌های خاص به مرحله‌ای از تربیت نایل می‌شود (سلحشوری، ۱۳۹۰: ۴۱)؛ بنابراین، ماهیت تربیت دینی، الهی و ربّانی است. تعالیم و مواعظ حکیم نظامی در مجموعه آثارش، نگرش دینی و اسلامی وی را به خوبی برای مخاطب روشن می‌کند. گزارشی که از اسماء الحسنی در شعر نظامی آمده، بیانگر این نکته است که وی بر آن است تا با ایجاد ابتهاج و سرور از تکرار نام خداوند، مخاطب را نسبت به معرفت وی ترغیب نماید (صادقی، ۱۳۸۹: ۳۸۲-۴۰۵).

باید گفت که تعالیم نظامی با رویکردهای صوفیانه و نگرش تعلیمی- تربیتی و نیز، مبتنی بر معارف دینی از مسیر داستان به جامعه منتقل می‌شود. شاعر در مثنوی‌های خود به مباحث تربیتی و بیان آموزه‌های اخلاقی می‌پردازد (بیلگن، ۱۳۷۲: ۲۶۱). تعلیم و تربیت در نگاه نظامی، مبتنی بر آموزه‌های تربیتی اسلامی است؛ حتی در نگرش‌های وی نسبت به روابط خالق و مخلوق، روابط مخلوق با یکدیگر و آداب معاشرت، جهان‌بینی اسلامی وی کاملاً مشهود است (ثروت، ۱۳۷۰: ۷۷). در مبحث اخلاق و مسئلهٔ تعلیم و تربیت، رعایت اعتدال نیز بیش از هر چیزی مورد توجه اندیشمندان این علم بوده است (هدایتی، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۰). این مقوله نزد نظامی نسبت به زندگانی

مادی و معنوی قابل بررسی و توجه است؛ به گونه‌ای که افزون بر اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و سیاست مدن نیز درباره نگرش وی صدق می‌کند (ثروت، ۱۳۷۰: ۱۲۷). بر این اساس، توجه شاعر به حفظ اعتدال در هر کار از نکاتی است که به نگاه تربیتی او معنا می‌بخشد (نظامی، ۱۳۸۱: ۳۷۸).

۲-۱- اهمیت، ارزش و فواید نعمت زبان

هدف اساسی تربیت مکتب اسلام، پرستش خدای یگانه و قدم گذاشتن در راه کمال با نفی پلیدی‌ها و تثبیت ارزش‌های اساسی است (شریعت‌مداری، ۱۳۶۷: ۲۳۷ و ۲۳۸). بازتاب این پرستش در قول و عمل نمود می‌یابد؛ بنابراین، جایگاه گفتار و به طور کلی، نقش اساسی زبان به‌عنوان یکی از عوامل مهم تربیتی در تهذیب نفس به خوبی روشن می‌گردد. عارفان نیز به تأثیر دوام ذکر و تسبیح الهی در تهذیب دل اشاره داشته‌اند (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۲۸). مهم‌ترین کاربرد «زبان» از منظر حکیم نظامی نیز، بهره‌گیری برای ذکر معبود است. تحمیدیه‌ها و توحیدیات آغاز منظومه‌های نظامی، گواه این مطلب است که او در مناجات‌های عارفانه و عاشقانه خویش با پروردگار، با آنکه به قصور زبان از حمد حقیقی اقرار می‌نماید؛ اما بهجت و سرور قلبی خود را در ذکر محبوب و سر و سر داشتن با اسمای الهی می‌داند. تسبیح و تهلیل و سایر عبادات، چون از سر اشتیاق به وسیله زبان ظهور یابند، سبب ابتهاج و دریافت انوار تابان بر جان ذاکر می‌شوند (شیروانی، ۱۳۱۵: ۶۵۱)؛ علاوه بر آن، استغفار و طلب آمرزش از درگاه خداوند از خواسته‌های مهم شاعر است؛ به طوری که خاطر نشان می‌کند اگر مورد غفران الهی قرار گیرد، دهن از زیاده-گویی خواهد شست (نظامی، ۱۳۸۳: ۳۷۴). پیر گنجه، مقصود خود را از زبان‌رانی و سخن‌رانی، ستایش و تسبیح خداوند می‌داند. شاعر افزون بر آنکه خود نیز، با یاد حق انسی دیرینه دارد، مخاطب را نیز بدان فرامی‌خواند. التزام زبان به ذکر خداوند و لب‌فرو بستن از غیر او، اساسی‌ترین وظیفه این عضو کوچک است:

ز هر یادی که بی‌او لب بگردان ز هرچ آن نیست او مذهب بگردان
(نظامی، ۱۳۸۳: ۳۴۳)

حق هر عضوی با اشتغال به عملی که در خور و شأن آن است، ادا می‌شود. عضو گردانی چون زبان را بایسته آن است که به ذکر حق معطر شود. نظامی هم، زبان را منشأ رویش تسبیح حق بر جان و روان می‌داند (همان: ۲۷۵)؛ همان‌گونه که از منظر قرآن کریم نیز، برای ذکر و تلاوت قرآن (مزمّل: ۲۰؛ نمل: ۹۲) و حمد (نمل: ۵۹؛ اسرا: ۱۱۱) خداوند به کار می‌آید. با آنکه ذکر زبانی از تمام مراتب دیگر ذکر نازل‌تر است؛ اما آن را به دلیل ارتباط نشئات وجود انسانی با یکدیگر نیز مفید می‌دانند. نقش‌پذیری دل از زبان، دقیقه‌ای است که در برنامه‌ی وعظ و پند عموم اهل معرفت و طریقت مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی ذکر مداوم خداوند بر لب و زبان، تعلّق خاطر و انسی است که در دل ایجاد می‌شود:

بی‌یاد توام نفس نیاید با یاد تو یاد کس نیاید
(نظامی، ۱۳۸۳: ۳۷۴)

آنگونه که نظامی درباره‌ی تأثیر تربیتی و اخلاقی ذکر زبانی بر تصفیه‌ی دل بدان اشاره دارد، التزام پیوسته‌ی زبان و دل از طریق تسبیح و تهلیل است که موجب غلبه بر دیوان و شیاطین خواهد شد (همان: ۳۷۲) و چون زبان با قلب همسو شود، سخن از دل بر زبان آید (همان: ۳۲). این گفته‌ی حکیم، افزون بر رویکرد صوفیانه و تجربه‌ی شخصی وی، ریشه در معارف عمیق دینی دارد. اینکه آیه‌ی شریفه‌ی ۲۸ سوره‌ی رعد، ذکر و یاد خدا را مایه‌ی آرامش دل می‌داند، این نکته را متذکّر می‌شود که دل نیز در گرو زبان است. مطلبی که در التزام زبان و دل باید ملحوظ داشت، التفات به ذکر است که بر زبان جاری می‌شود. خاصیت ذکر زبانی آن است که هر کدورت و حجابی را که از تصرف شیطان و نفس بر دل رسیده و در آن متمکّن شده، از دل محو می‌کند و موجب تهذیب نفس و صفای باطن می‌شود. اینکه برخی عرفا زبان را کلید دل خوانده‌اند، از آن روی است که

اتحاد زبان و دل را موجب دریافت نفایس نیک بر زمین کالبد مرده وجود می‌دانند (ر.ک. بهاء‌ولد، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۰). نکته‌ای که در مباحث تربیتی نیز بدان اشاره شده است، آن است که ملازمت ذکر زبانی به شرط التفات ذاکر به ذکر و پیوند آن با قلب، سبب دوری دل از وساوس و خواطر است (نراقی، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

شاعر در تلاش است که همواره در سراسر زندگی، طنین نام خدا را بگستراند:

به هر گوشه کافتم ثنا خوانمت به هر جا که باشم خدا دانمت
(نظامی، ۱۳۸۳: ۷۱۶)

چیزی که نظامی آن را خوش ندارد، لب از دعا فروستن است که در این صورت، زبان را مستحق سکوت و خاموشی می‌داند:

هر که نه گویای تو، خاموش به هر چه نه یاد تو، فراموش به
(نظامی، ۱۳۸۳: ۱۹)

تکرار زبانی ذکر بر لب، موجب عشق و وابستگی می‌شود؛ چنانکه در معارف بهاء‌ولد هم بدان اشاره شده است (ر.ک. بهاء‌ولد، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۴). از فواید دیگر زبان، نقش آن به عنوان عامل بیرونی در ارتباط با جامعه است؛ همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، اگر انسان به پرورش قوای عاطفی اهتمام ورزد و در تعامل با افراد انسانی، به نوع به کارگیری زبان در ارتباط با دیگران نیز التفات نماید، از آن به عنوان ابزاری در تحکیم روابط دوستانه و ابراز محبت بهره می‌گیرد. نظامی زبان را برای بیان عشق و محبت ارزشمند می‌داند (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۱ و ۳۲)؛ همچنین آن را برای طلب آموزش گذشتگان (همان: ۷۲۶) و یا اصلاح ذات بین و رفع منازعات ارزشمند می‌داند؛ همانگونه که مردم شهر نیکان و مدینه فاضله از آن برای اصلاح بهره بردند (همان: ۱۰۶۳)؛ از سوی، این سخن حکیم که از سر تنبیه هشدار می‌دهد: «بر تو نویسند، زبان بسته‌دار» (همان: ۹۷)، این فرموده خداوند را فرا یاد می‌آورد که انسان هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد؛ مگر آنکه

ضبط و ثبت می شود (ق: ۱۸) و در سرای دیگر نیز، همه اعضا و جوارح او از جمله زبان، گواهان حاضر بر اعمال اویند (نور: ۲۴).

شاعر، سخن را فرمانده عمل خانه دل و متاعی گرانبها می نامد که بر درگاه خود، محافظ و علمداری به نام زبان دارد:

بگو ای سخن! کیمیای تو چیست عیار ترا کیمیاساز کیست ...
عمل خانه دل به فرمان تست زبان خود علمدار دیوان تست
(نظامی، ۱۳۸۳: ۸۲۱)

گویی طرح تشبیه زبان به علمدار، افزون بر آنکه به نقش ممتاز آن در سخن گویی و بیان هویت درونی انسان اشاره دارد، به نوعی، نیزه داری و نیزه ماندی آن را هم بر وفق آنچه در برخی سخنان معصومین (ع) مبنی بر مقایسه لسان با سنان است، فرایاد می آورد. به فرموده امام علی (ع): «زَلَّةُ اللِّسَانِ اَنْكِي مِنْ اِصَابَةِ السَّانِ»؛ «لغزش زبان دردناک تر از زخم نیزه هاست» (آمدی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴۲۵).

خمسۀ نظامی در عین متعالی بودن از حیث زیبایی های بلاغی، زبانی و موسیقایی دارای وجوه متکامل اخلاقی است (طغیانی و حاتمی، ۱۳۹۰: ۸۱)؛ در حقیقت، نظامی شعر و هنر را با دین و آیین و اخلاق و تربیت پیوند زده (حمیدی، ۱۳۷۰: ۴۷۶-۴۷۹) تا خواننده ضمن بهره وری هنری و ادبی از داستان های فاخر در منظومه ها، به طور غیرمستقیم در پرتو آموزه های دینی و تربیت عقلانی به تهذیب نفس روی آورد. پیر گنجه با شناخت امکانات و محاسن و معایب زبان، برای آن آدابی قایل است و علاوه بر آنکه خود را بدان آداب ملتزم می دارد، مخاطب را نیز بدان فرامی خواند.

۲-۲- آفات و خطرات زبان

در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، سلسله ارزش‌ها از معرفت نفس آغاز می‌شود و به معرفت ربّ منتهی می‌گردد و چون تزکیه بر تعلیم مقدم است (آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲)؛ هر فرد باید ضمیر خود را از آلودگی‌های نفسانی صاف و پاک کند (نیکزاد، ۱۳۷۱: ۷۴)؛ بنابراین، گام مهم در اصلاح نفس، شناخت موانع تکامل آن است. در این راستا، نظامی به نقش آسیب‌زای زبان در تربیت اشاره دارد و در برخی موارد، با بیان علت و چرایی ایجاد رذایل، پیامد سوء ناشی از آن را به مخاطب گوشزد می‌کند (نظامی، ۱۳۸۳: ۷۶، ۷۷۵، ۴۱۸ و ...).

زبان اگرچه وسیله قرب الهی است؛ اما عامل فروماندن در منزل بهیمی نفس نیز هست؛ از اینجاست که شاعر با نگرش به نقش خطرآفرین زبان، در تشبیهی آن را به اژدهای آتشین در غار دهان تعبیر می‌کند (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۹۵) و سخن‌های تند و تیز، گدازان‌تر از آتش رستخیز می‌گردد (همان: ۸۶۹)؛ از این رو، در آموزه‌های دینی و اقوال صوفیه توصیه‌های مؤکدی در حفظ زبان شده‌است. قرآن کریم با چه لحن عمیق، اما دلاویزی مؤمنان را به حفظ و صیانت زبان از بیهوده‌گویی و رعایت تقوای الهی موعظه می‌کند (مؤمنون: ۳؛ احزاب: ۷۰). پرهیز از هرزه‌زبانی و دروغ (قلم: ۱۰؛ فرقان: ۶۳)، غیبت، تمسخر، طعنه، همز و لمز (حجرات: ۱۲؛ همزه: ۱؛ قلم: ۱۱)، بیهوده‌گویی و سخنان لغو (مؤمنون: ۳) همه از گناهان زبان است که در حوزه روابط فردی و اجتماعی، موجب بروز مشکلات می‌شود. اخلاق پژوهان مسلمان با باور به نقش و تأثیر شگرف تربیت و تهذیب نفس و به‌خصوص حفظ زبان، تألیفات گران‌سنگی از خود به یادگار گذاشته‌اند. غزالی در «کتاب الاربعین»، پس از ذکر رذایل اخلاقی به بیان آسیب‌های ناشی از زبان می‌پردازد. او برای زبان بیست آفت برمی‌شمرد و حرص بر گفتار را به دلیل تأثیر مگدر آن در قلب از آفات مهلک می‌داند (ر.ک. غزالی، ۱۳۶۸: ۱۱۳). در بیان نظامی طبع خلاف‌جو، خلاف‌گو می‌شود و یا در اثر راست‌گویی به راستی گرایش پیدا می‌کند (نظامی، ۱۳۸۳: ۸۷). اگر باطن آدمی به صدق یا کذب آراسته شود، هر آنچه بر زبانش جاری می‌شود، به نوعی بازتاب درون اوست.

هر طبع که او خلاف جویت چون پرده کج خلاف گویت
(همان: ۳۸۳)

از این رو، گفتار انسان جزئی از کردار او به شمار می آید. تأکید بر وحدت قول و عمل نیز، در راستای اصل عملی بودن تربیت اخلاقی و اسلامی است (هدایتی، ۱۳۹۰: ۷۵). سخن رسول خدا (ص) در این باره است که: «مَنْ حَسَبَ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ»؛ «کسی که گفتارش را جزئی از کردارش بشمارد، کم گو می شود؛ مگر در آنچه سودمند است (ر.ک. اسفندیاری، ۱۳۹۰: ۵۶-۶۵).

۲-۲-۱- پرگویی و لغزش زبان

در اصول تعلیم و تربیت، علمای تربیت به سه بخش مهم در تربیت افراد اشاره دارند. در مرحله نخست، با فراهم نمودن زمینه به آماده سازی متربی برای پذیرش تربیت روی می آورند؛ سپس با بیان آفات صفات ناپسند و ایجاد صفات ارزنده، مستمع را بدان آگاه می نمایند که از این بخش به «بازسازی» تعبیر می شود و در نهایت، با تشویق مخاطب به انجام دادن صفات پسندیده، موجب بروز صفات تربیتی مثبت در وی می شوند. این مرحله را «به سازی» نیز نام نهاده اند. برای دستیابی به هر یک از این موارد شناخت استعدادها، ذاتی و قوای درونی وی (شهویه، غضبیه، نفس ناطقه)، متربی بایسته است (اسدی گرمارودی، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۸). اگرچه منظومه های پنج گانه به دلیل سبک و ساختار داستانی شان در زمره کتب تعلیمی و اخلاقی محض به شمار نمی روند و نظامی به طور خاص بدانها اشاره ندارد، با این وصف، این شیوه های تربیتی را می توان به طور پراکنده و بدون ترتیب و نظم در لابه لای آثار وی بازجست. از نگاه تربیتی حکیم نظامی، پرگویی از آن روی که منجر به افزایش لغزش و خطا و نیز کاهش قدر سخن می شود، مورد نکوهش است (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). وی در شیوه تربیتی خود، آموزه های اخلاقی و تربیتی را درباره نقش آسیب زای زبان در جامعه به طور غیرمستقیم و از طریق اشاره به داستان «کشف و

بط» پی می‌گیرد؛ در واقع، خود او هم با توجه به همین نکته مراقب است از پرگویی به دور باشد؛ بنابراین، با اشاره‌ای کوتاه به داستان از آن گذر می‌کند:

بسا سر کز زبان زیر زمین رفت بطن را با کشف فصلی چنین رفت

(همان: ۳۳۷)

نظامی از طریق حکایتی موجز، مخاطب را برای شنیدن و تفکر آماده می‌سازد و در ضمن آن، به بیان آفات رذیله اخلاقی می‌پردازد. او در جای دیگر، به علت و ریشه این خوی اشاره می‌کند و بر آن است که زیاده‌گویی از جهالت و نادانی شخص نشئت می‌گیرد (نظامی، ۱۳۸۳: ۷۷۵). سلمی، پرگویی را از عیوب نفس برمی‌شمرد و علت آن را در دو عامل ریاست‌طلبی و به‌رخ-کشیدن مقام علمی گوینده و یا کم‌دانشی او می‌داند تا بدین وسیله گوینده، کلام را به درازا بکشاند (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۲۳). از منظر نظامی، اگر زبان به سخنان چون تیر و تبر (همان: ۳۰۳) گرم شود، از گفتار ناروا برکنار نیست. به گفته نظامی، خشم و غضب، زبان را به سخنان ناروا برآشفته می‌کند و موجب می‌شود که زبان به سخنان سخت و گزنده و گرافه آلوده شود؛ از

اینجاست که حکیم، راه علاج این بیماری را در بردباری و تملک نفس برمی‌شمرد:

زبان چون ز گرمی بر آشفته شد سخن‌های ناگفتنی گفته شد
... زبان گر به گرمی صبوری کند ز دوری کن خویش دوری کند
سخن گر چه با او زهازه بود نگفتن هم از گفتنش به بود
چه خوش گفت فرزانه پیش‌بین زبان گوشتین است و تیغ آهنین
نباشد به خود بر کسی مرزبان که گوید هر آنچه آیدش بر زبان

(نظامی، ۱۳۸۳: ۷۷۵)

شاعر با ذکر فواید حفظ زبان به تشویق مخاطب می‌پردازد و بیان می‌دارد که سخنان پرورده و سنجیده از عوامل جذب قلوب دیگران است (همان: ۱۰۰۴)؛ بدین ترتیب با کاربردی شیوه‌های مختلف تربیتی، به تعلیم مخاطب روی می‌آورد.

۲-۲-۲- دروغ

دروغ از گناهان کبیره است و در آیات و روایات به فراوانی مذمت شده است. تنها در سوره «مرسلات» یازده مرتبه دروغگویان نکوهش شده اند. کلام «قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ» در آیه دهم سوره کریمه «ذاریات»، نکوهش سرسختانه دروغگویان است. آنچه مفسران در معنای «خرص» گفته اند، بیانگر سخنی است که از روی گمان و تخمین گفته می شود و از آنجا که چنین سخنانی غالباً دروغ از آب درمی آید، به معنی دروغ نیز به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۳۲۵). تمثیلی که نظامی در این باره در منظومه «هفت پیکر» درباره حضرت سلیمان (ع) و بلقیس (نظامی، ۱۳۸۳: ۶۲۳) و یا افسانه نانوی بی نوا در «خردنامه» (همان: ۹۸۸) در باب اهمیت راستگویی و اجتناب از دروغ می آورد، متضمن این نکته است. او در شیوه تربیتی خویش، پس از زمینه سازی در باب اهمیت سخن راست در داستانها، به ذکر آفات و علل ایجاد یکی دیگر از گناهان زبانی روی می آورد و دروغ را صفت دیوان می نامد که عادت به واژگونگی و خلاف گویی دارند و دروغگویان را هم در جرگه دیوان می شمرد (همان: ۶۵۴). یکی از علل درونی دروغگویی، طبع و گوهر است. دروغگو بدذات و تیره گوهر است (همان: ۹۴۵)؛ اما نظامی با ارج نهادن به صداقت پیشگان، سرانجام راستی و راستگویی را ظفر و نصرت الهی می داند که در نهایت، آراستگی کارها و به سامان شدن امور را در پی دارد:

راستی خویش نهان کس نکرد	در سخن راست زیان کس نکرد
راستی آور که شوی رستگار	راستی از تو، ظفر از کردگار
گر سخن راست بود جمله در	تلخ بود تلخ که الحق مُرّ
چون به سخن راستی آری بجای	ناصر گفتار تو باشد خدای

(همان: ۸۷)

نظامی با مقابل هم قراردادن دو صفت خوب و بد و مقایسه آن دو، مخاطب را در گزینش راه راست ترغیب می نماید و می گوید راستی سپر رهایی انسان از غم و اندوه است؛ در حالی که

کژی و ناراستی سبب کاستی و بی‌فروغی است (همان: ۸۶). راستی از خصال جوانمردان (همان: ۳۱۲) و مایه احتشام آنان خواهد بود:

چو بتوان راستی را درج کردن دروغی را چه باید خرج کردن
ز کژگویی سخن را قدر کم گشت کسی کو راستگو شد، محتشم گشت
(همان: ۱۲۵)

در مضمون ابیاتی از این دست، تشویق و ترغیب مخاطبان به راستی و درستی بیش از تحذیر آنان از دروغ است (همان: ۵۳۳). این شیوه مثبت‌نگری و تشویق مخاطب به رعایت نکات تربیتی و اخلاقی مورد توجه نظامی است. او به نقش دروغ به لحاظ آسیب روانی و اجتماعی توجه دارد. مردم شهر نیکان به دلیل چنین خصلت نیکی در آسایش روحی و روانی به سر می‌برند:

گروهی ضعیفان دین‌پروریم سر مویی از راستی نگذریم
نداریم بر پرده کج بسیج به جز راست‌بازی ندانیم هیچ
در کج‌روی بر جهان بسته‌ایم ز دنیا بدین راستی رسته‌ایم
دروغی نگوییم در هیچ باب به شب باژگونه نبینیم خواب
(نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۲)

۲-۲-۳- لاف‌زدن

در نگاه تربیتی نظامی، لاف‌زنی بیش از هر چیز، آزار روانی افراد جامعه را در پی دارد؛ همچون نیش کژدم که پنهانی بر جان می‌زند (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). تفاخر و لاف‌زنی از دروغ ناشی می‌شود و آن، حرف‌های بی‌پایه و اساسی است که بیشتر موجب شگفتی مخاطبان می‌شود (همان: ۷۴۰). لاف‌زن همچون کسی است که از مبارزه با شیر فقط نام آن را یدک می‌کشد و ادعای چیزی را دارد که فاقد آن است (همان: ۲۰۹). حکیم در مقام تعلیم و تربیت می‌گوید:

مجو بالاتر از دوران خود جای مکش بیش از گلیم خویشتن پای
چو دریا بر مزن موجی که داری مپر بالاتر از اوجی که داری
به قدر شغل خود باید زدن لاف که زردوزی نداند بورباباف
(نظامی، ۱۳۸۳: ۲۰۷)

۲-۲-۴- غیبت

امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود که: «نشستن در مسجد برای انتظار نماز عبادت است؛ مادامی که احداث نکند»، گفته شد: «ای رسول خدا! چه چیز را احداث نکند؟» فرمود: «غیبت را» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۹). تجسس و غیبت در آرمان شهر نظامی ممنوع است. مردم پشت سر کسی چیزی در نهفت نمی گویند که در پیش رویش نتوانند بگویند (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۳). غیبت و بدگویی نتیجه‌ای جز روسیاهی و شرمندگی ندارد (همان: ۲۰۹). پیر گنجه در جای دیگر از خوش‌زبانی در تقابل با بدزبانی و غیبت سخن می‌راند؛ زیرا با توجه به مضمون آیه هفتم سوره اسراء، باز خورد هر بدی و نیکی به انسان برمی‌گردد:

پس هیچ پستی چنان نگذرم که در پیش رویش خجالت برم
ز بدگویی بد گفته پنهان کنم به پاداش نیکش پشیمان کنم
نگویم بداندیش را نیز بد کزان گفته، باشم بداندیش خود
(همان: ۷۲۸)

بدی را نیکی کردن و به تعبیر قرآن کریم، دفع سیئه با حسنه (مؤمنون: ۹۶)، از دیگر آداب تربیتی دین مبین اسلام است. به اعتقاد نظامی، تعریض و بدگویی نشان از حقد و حسادت دارد؛ چنانکه انبیاپی چون یوسف (ع)، عیسی (ع) و نیز پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در معرض طعن ژاژخایان قرار داشتند (همان: ۳۹۳). از این نکته معلوم می‌شود که برخی دلایل گناهان زبان چون غیبت، منشعب از صفات رذیله دیگری چون حسادت و کینه‌ورزی است که باید به درمان آن اهتمام ورزید. پیامد این اندیشه آن است که معیارهای منطقی و عقلی صحیح که حکیم نظامی

برای بازشناخت خوب از بد در منظومه‌های خود به مخاطب عرضه می‌کند، در اصلاح نفس و تربیت عقلانی آن نقش بسزایی دارد. این نگرش از سوی حکیم مسلمان عارف مشرب با رویکرد دینی و باورهای اسلامی وی نیز پیوند دارد؛ به گونه‌ای که خود بر آن است تا بدانچه می‌گوید پایبند باشد و جانب اعتدال را حفظ کند.

۲-۲-۵- عیب‌جویی

سخنی از رسول خدا (ص) در کتب حدیث آمده است که «لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّ مَنْ تَبِعَ عَثْرَاتِ أُخِيهِ تَبِعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ، وَ مَنْ تَبِعَ اللَّهَ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ»؛ «لغزش‌های مسلمانان را نجوید که هر کس لغزش‌های برادرش را پی‌جوید، خداوند لغزش‌های او را پی‌گیری می‌کند و هر که را خداوند عیب‌جویی کند، رسوایش می‌سازد؛ هر چند در اندرون خانه خود باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۲: حدیث ۲۵۰۲).

حکیم نظامی علت و ریشه عیب‌جویی را غفلت از عیوب خود می‌داند. او بر این نکته تأکید می‌ورزد که در همه چیزی هنر و عیب هست؛ لیکن دیده از عیب مردم فراز کردن و به عیب خود نگرستن است که هنر و فضایل آنان را به چشم می‌آورد. این مطلب، دقیقه‌ای است که نباید از نظر مخفی داشت. پر طاووس را دیدن و از سرزنش پا دست کشیدن، آینه‌وار عیب-نویسی نکردن و سر در گریبان خود بودن، از ملزومات حفظ زبان از گناه است (نظامی، ۱۳۸۳: ۷۶ و ۴۱۸). حکایت حضرت عیسی (ع) و یارانشان و گفت‌وگویی که بر سر لاشه یک سگ مرده روی داد و پاسخ حضرت مبنی بر توجه به عیوب خود نیز، نمونه دیگری از تعالیم اخلاقی و تربیتی حکیم است:

دیدم فرو کن به گریبان خویش	عیب کسان منگر و احسان خویش
خود شکن آن روز مشو خودپرست	آینه روزی که بگیری به دست

(نظامی، ۱۳۸۳: ۷۷)

طرفه آنکه شاعر، تندخویی را عاملی در ایجاد این صفت رذیله می‌داند. آنچه نجم رازی در تأثیر بلاشک خصلت غضب گفته‌است، این مطلب را تأیید می‌کند که هوا و غضب، دو صفت ذاتی نفس است و باقی صفات ذمیمه از این دو اصل ایجاد می‌شود. این دو را باید در حد اعتدال نگه‌داشت؛ زیرا تزکیّت و تربیت نفس، به اعتدال در آوردن این دو بر میزان شریعت و طریقت است (ر.ک. نجم رازی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). مردم مدینه فاضله نیز، چشم و زبان را از عیب‌جویی و سخن‌چینی دوخته‌اند (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۳). نظامی مخاطب را از این رذیله بر حذر می‌دارد (همان: ۲۲۴)؛ زیرا چشم بدبین و جاسوس نمی‌تواند خوبی و هنر را شاهد باشد (همان: ۲۰۸)؛ البته، آنچه در روش تعلیم و تربیتی نظامی مزید توجه است، نگرش عاطفی به موضوع و اصلاح عیوب دیگران و به قول وی، «عیب‌شوی» بودن است تا «عیب‌گوی» بودن (همان: ۷۲۸). این همه گفتار و تعالیم ارزشمند که گاه از زبان اشخاص داستان‌ها بیان می‌شود، صدای نظامی را در گوش دارد؛ زیرا آنچه تمام آن سخن‌های نغز را به استخوان‌های پوسیده‌مغز می‌بندد، اندیشه نظامی است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

۲-۲-۶- طعنه و زخم زبان

به روایت نظامی، زخم زبان آن است که در میان سخن‌عادی، مخاطب را نشان سنگ طعنه و بدگویی و سخنان زهرگون قرار دهند (نظامی، ۱۳۸۳: ۳۶۱). در احادیث پیشوایان اسلام (ع)، «لسان» با «سنان» (سرنیزه) و کلام با «سهام» (تیرها) مقایسه شده‌است. به تعبیر پیر گنججه، زخم زبان چون خار و مسمار در سینه می‌نشیند (همان: ۱۸۱)؛ بنابراین، نه تنها مذموم است (همان: ۹۷۳) و (۲۱۶)؛ بلکه رشته محبت میان افراد را می‌گسلد (همان: ۴۰۶)، هر چند این عمل گریبانگیر گوینده آن نیز خواهد شد:

زخمی به زبان همی فروشی
نه هر که زبان دراز دارد
سوسن ز سر زبان‌درازی
من سوختم و تو بر نجوشی
زخم از تن خویش باز دارد
شد در سر تیغ و تیغ‌بازی
(همان: ۱۹۵)

۲-۲-۷- گستاخی در گفتار

از پیامدهای منفی پرگویی، گستاخی و بی‌محابایی در گفتار است. نظامی، گستاخی در سخن را بیانگر بی‌آزرمی (نظامی، ۱۳۸۳: ۳۹۲) و موجب ملالت و خجالت می‌داند. او متذکر می‌شود که نباید با بی‌پروایی و دلیری در گفتار کاری کرد که مستلزم پوزش و عذرخواهی شود که خودکرده را تدبیر نیست:

گستاخ‌سخن مباش با کس
گر سخت بود کمان و گر سست
تا عذر سخن نخواهی از پس
گستاخ‌کشیدن آفت تست
ور سخت بود خجالت آرد
گر سست بود ملالت آرد
(همان: ۲۲۵)

۲-۳- روش‌های اصلاح زبان و مبارزه با آفات آن

پس از شناخت آفات سخنان بیهوده، باید برای مبارزه با آن به اصلاح و تربیت نفس پرداخت. خردمند چون در خوی زشت نتیجه‌ای جز آسیب و ضرر ندید، بر خود لازم می‌داند که آن صفت رذیله را از خود دور کند؛ بنابراین، به مرحله عمل وارد می‌شود. «هدف بی‌واسطه علم اخلاق فراهم آوردن زمینه لازم برای رشد جنبه اخلاقی است که از طریق شناخت افعال خوب و بد و چگونگی آراستن نفس به منش‌های پسندیده و پیراستن آن از صفات ناپسند به دست می‌آید» (نजारزادگان، ۱۳۸۶: ۲۱). به اعتقاد نظامی، سخن نیک و مؤثر به دل پاک بستگی دارد (همان: ۲۹۵). او خوش‌سخنی را در گرو تزکیه نفس می‌داند (همان: ۱۰۳):

سخن در دل پپرور زانکه فرجام کزو گفتن ترا نیکو شود نام
(همان: ۲۷۳)

به گفته نظامی، رعایت حدود و ثغور سخن تا آنجاست که اگر گفتاری با موازین اخلاق و ادب مطابقت نداشت، از جانب هر کس - حتی خود او هم - که باشد، باید زدوده شود. از سخن ناآگاهانه و دور از خرد، چیزی جز بی ادبی صادر نمی شود؛ بنابراین، شاعر تأکید می ورزد چنین گفتاری از جانب هر کس که باشد، سزاوار بیان نیست:

هر سخنی کز ادبش دوریست دست بر او مال که دستوریست
و آنچه نه از علم برآرد علم گر منم آن حرف درو کش قلم
(نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۴)

بنابراین، استغفار و در خواست های مؤدبانه از خداوند، نمونه ای از کاربرد درست زبان در سلوک معنوی و از روش های تربیتی از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است (رشیدی، ۱۳۹۷: ۹۱) که التزام شاعر را در پیوند با مسائل تعلیم و تربیت اسلامی خاطر نشان می کند.

۲-۳-۱- اعتدال در گفتار و کم گویی

رعایت «اعتدال» در گفتار و کردار یا در اصطلاح اخلاق شناسان، «توسط در فضیلت» موجب حفظ تعادل نفس در بروز قوای درونی و برونی خواهد شد و بدین گونه، انسان می تواند تحت تأثیر تعلیم و تربیت به رشد و کمال عقل نظری و عقل عملی و در نهایت، وصول به مقام قرب الهی نایل آید (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۷۰). از منظر اهل دل و نیز، علمای اخلاق و تعلیم و تربیت، رعایت جانب اعتدال در سخن، ادب دیگری است که برای رهرو کارساز است (ر.ک. هجویری، ۱۳۸۳: ۵۲۴) و نظامی هم آن را متذکر می شود:

با اینکه سخن به لطف آب است کم گفتن هر سخن صواب است
آب ار چه همه زلال خیزد از خوردن پر ملال خیزد

کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر
(نظامی، ۱۳۸۳: ۳۹۵)

اینکه شاعر همواره به نحوی متذکر می‌شود «کم‌خور و کم‌گوی و کم‌آزار باش» (نظامی، ۱۳۸۳: ۶۷)، «نگهدار اعتدال اینت تمام است» (نظامی، ۱۳۸۱: ۳۱۲) و یا «به اندازه باید سخن گسترید» (نظامی، ۱۳۸۳: ۸۲۴)، دلیل بر آن است که اعتدال را- که راه شرع است- معرفی کند و هویت حقیقی انسان را به او بنمایاند تا به معرفتی که شایسته اوست، نایل شود:
در هرچه از اعتدال یاری است انجامش آن به سازگاری است

هر رود که با غنا نسازد برد چو غناگرش نوازد

(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۷۸)

به لحاظ اجتماعی نیز افراط در سخن، عکس‌العملی جز ملال و دلزدگی ندارد، بلکه موجب ضرر و زیان و آشفته‌گی مغز مستمع می‌شود (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۱۴)؛ به عقیده نظامی، افراط در هر کار به عامل درونی، یعنی عدم تعادل قوه شهویه بازمی‌گردد و نتیجه پرورش و تعدیل این نیروی درونی عفت را در پی خواهد داشت. شهوت زبان، آن است که با پرگویی و هرزه‌درایی، به دشنام و غیبت و دیگر گناهان سرگرم شود؛ ولی با حفظ عنان آن می‌توان پاکی و عفاف را به ارمغان آورد:

سخن بسیار داری، اندکی کن یکی را صد مکن، صد را یکی کن

چو آب از اعتدال افزون نهد گام ز سیرابی به غرق آرد سرانجام

...سخن کم گوی تا بر کار گیرند که در بسیار بد بسیار گیرند

تو را بسیار گفتن گر سلیم است مگو بسیار دشنامی عظیم است

(همان: ۱۲۴).

بدین صورت، دیدگاه نظامی را در پرهیز از پرگویی، شناخت جایگاه سخن و خودشناسی باید به عنوان اهداف واسطه‌ای در حوزه تربیت عقلانی قلمداد نمود.

۲-۳-۲- سنجیده‌گویی

سنجیده‌گویی و زبان را به نیک‌گفتاری عادت‌دادن نیز ادب دیگر سخن‌گویی است. این ویژگی در مناسبات اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. به گفته نظامی، زبان ازدهایی است در غار دهان که با هر جنبشی ممکن است سخنان زهرآگین و نسنجیده را منتشر کند و موجب رنجش شنونده می‌شود:

سخن را تلخ گفتن رایست که هر کس را درین غار ازدهاییست

سخن با تو نگویم تا نسنجم نسنجیده مگو تا من نرنجم...

(نظامی، ۱۳۸۳: ۲۹۵)

تشبیه زبان به ازدها در امثال و اشعار سابقه دارد. شاعری عرب چنین گفته:

احفظ لسانک ایها الانسان لا یلدغنک انه ثعبان

(وفائی همدانی، ۱۳۵۳: ۷۷)

تأثیر سلامت عقل به عنوان یکی از جنبه‌های مهم وجود انسان، از نکات قابل ملاحظه‌ای است که در اندیشه تربیتی نظامی بدان توجه شده است. از دیدگاه شاعر، کسی که از روی خرد و اندیشه سخن بگوید، سخن را سنجیده و درست می‌گوید (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۲۹). سخن باید با دانش و معیار و با اندیشه و سنجیده همچون زر خرج شود و گرنه، شایسته گفتن نیست (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۲۲، ۹۸۰).

سخن باید که با معیار باشد که پر گفتن خران را بار باشد

(همان: ۲۹۶).

سلامت و شکوفایی عقل موجب می‌شود تا بتواند در تشخیص و مقایسه خیر از شر صاحب خود را در مسیر صحیح هدایت کند؛ به علاوه، آن گونه که هجویری در باب تأثیر ویرانگر پرگویی آورده، زیاده‌گویی در ازاله عقل و سستی آن نقش بسزایی دارد (ر.ک: هجویری، ۱۳۸۳: ۵۲۱).

۲-۳-۴- نرم‌گویی

از دیگر اشارات عالمانه پیر گنجه در ارائه روش‌های تربیتی و عملی در به‌کارگیری زبان، تشویق به بیان گفتاری ملایم و نیک با مردم است. وی بازتاب کاربست این شیوه را تسلیم و سرسپردگی دیگران و به عبارتی جنگ‌افزایی قوی برای صید دل‌ها محسوب می‌کند (نظامی، ۱۳۸۳: ۸۳۱). آدمی صید جواب خوش است (همان: ۸۱۸) و تندی موجب رنجش است. از این‌ها که بگذریم زشتی را با زشتی پاسخ‌ندادن گاهی چنان طوفانی در قلب مخاطب ایجاد می‌کند که به بیان قرآن، همان دشمن سرسخت را به دوستی صمیمی مبدل می‌کند (فصلت: ۳۴)؛ لذا دفع سیئه با حسنه و یا گزینش بهترین سخن از بین گفتارها (زمر: ۱۸) از مواعظ تربیتی و آموزه‌های اخلاقی قرآن بوده است. نظامی هم در همه داستان‌ها و در برخورد اشخاص با هم و یا درشتی را با نرمی پاسخ‌دادن از این شیوه بهره‌برده است. (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). تأکید حکیم بر آن است که:

به جای تو گریه کند ناکسی تو نیز از کنی نیکویی با کسی
هم آن را هم این را فراموش کن زبان از بد خلق خاموش کن

(همان: ۱۰۲۴)

حکیم نظامی، با توجه به نقش تعادل در پرورش قوای درونی فرد به عنوان عامل مؤثر درونی در نیل به آرامش فردی (ر.ک: بخش پایانی مقاله)، به عکس‌العمل دیگران به عنوان عام بیرونی در قبال نوع گفتار نیز اشاره دارد و پیامد سخنان نغز و دل‌پذیر را در جامعه و در ارتباط با مردم، افزون بر تأثیرپذیری دیگران، موجب تواضع و نرم‌دلی آنان می‌داند (همان: ۸۸۲ و ۸۸۵).

نظامی سخن مهربانانه و نرم دلانه را نشانه فرزانیگی، و تندخویی و درشتی را از دیوانگی و بی خردی می شمرد.

۲-۳-۵- سکوت و خاموشی

پیر گنجه در منظومه *مخزن الاسرار* با طرح مناظره «بلبل و باز» به محاسن خاموشی اشاره دارد. حتی وی در ساختار و فرم این مناظره هم دقت خاصی دارد. در این گفتگو ابیاتی که از زبان «بلبل» آمده، بیش از پاسخی است که «باز» می دهد و با آوردن «والسّلام» ختم سخن و عدم علاقه به ادامه سخن و پرگویی را از جانب «باز»، در ظاهر کلام نشان داده است (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). به تعبیر حکیم نظامی، گاه باید به جای فاش گویی با «زبانی دیگر» سخن گفت. به هر روی، زبان در کام، خشک بماند بهتر تا آن که با جنبشی بی هنگام، ناکام و سرنگون گردد. سر بی زبان «بهست از زبانی که بی سر بود» (همان: ۷۸۵). سکوت نیز همچون سخن، آداب و مواضعی دارد. سکوت گاه پسندیده و بجاست و گاه ناپسند و بی جا. در ادامه، مواضع سکوت پسندیده را از منظر حکیم پی می گیریم:

۲-۳-۵-۱- خاموشی برای تفکر

در نگاه نظامی حفظ ارزش کلام و سخن، متکی بر لب بستن از سخن بی جاست. گاه با بستن زبان ظاهر، زبان باطن و دل به سخن می آید (نظامی، ۱۳۸۳: ۳۹-۴۰). در این صورت، دل در تفکر و اندیشه است و نقصان و اشتباهات را به انسان گوشزد می کند. خاموشی، دل را محرم اسرار می کند. نظامی با توصیه به خلوت نشینی و دوربودن از دیده ها مخاطب را به سکوت و خاموشی فرامی خواند تا دل محرم راز شود (همان: ۵۴۰). نظامی خود نیز در سایه سکوت و خلوت دل به مراتبی نایل می شود (همان: ۳۲).

۲-۳-۵-۲. خاموشی از سخن بی جا

گویا نظامی روایت «ما من عضوٍ من الأعضاءِ الا و یخاطب اللسانَ و یقولُ له اُقسمک بالله ان لا تُلقنی فی العذاب» (هیچ عضوی از اعضای بدن انسان وجود ندارد مگر این که زبان را مورد خطاب

قرارداده، می‌گوید: تو را به خدا قسم می‌دهم مبادا مرا به عذاب بیفکنی، (ممقانی، ۱۳۶۴: ۶۵)،
را پیش چشم داشته‌است که شبی چندین بار صدای سر را می‌شنود که تیغ زبان را از سخن بی‌جا
برحذر می‌دارد:

پیش زبان گوید سر زینهار	می‌شنوم من که شبی چند بار
روز نهای راز فشانی مکن	سرطلبی تیغ‌زبانی مکن
آن سگ دیوانه زبان کش بود	مرد فروبسته‌زبان خوش بود
تیغ پسندیده بود در نیام	مصلحت تست زبان زیر کام
کآفت سرها به زبان‌ها درست	راحت این پند به جان‌ها درست
تا سرت از طشت نگوید که آه...	دار درین طشت زبان را نگاه
زشت مگو نوبت خاموشی است	بد مشنو وقت گران‌گوشی است

(نظامی، ۱۳۸۳: ۹۷)

بنابراین، باید زبان آتشین را با دو لعل لب در میانه‌دهان حفظ کرد تا زبانه آن موجب
ویرانگری نگردد:

زبان گر بر زد از آتش زبانه نهادم با دو لعلش در میانه

(همان: ۳۱۶).

گاه، سکوت بلندترین فریاد و بیان‌کننده‌ی فرزاندگی است (نظامی، ۱۳۸۳: ۹۹). بر این پایه،
اگر مواضع سکوت را از دیدگاه حکیم بررسی کنیم، درمی‌یابیم که وی زبان‌بستن از
هرزگویی (همان: ۳۹۴) و یا به گفتار ناسودمند درنییچیدن را مطلوب و پسندیده می‌داند (همان:
۸۰۴). در نظر پیر گنججه، اگر چه در سخن‌نوش و تحسین باشد، اما چنانچه در ابرو گره آورد،
ناگفتنش بهتر است (همان: ۷۷۵). این سخن در شعر وی همان اندیشه‌ی رعایت اقتضای کلام را القا
می‌کند:

سخن کان به ابرو درآرد گره اگر آفرین است ناگفته به

(همان: ۸۲۴).

حکیم توصیه می کند که سکوت در برابر یاوه گویان هم خود نوعی پاسخ است:
زبانی که دارد سخن ناصواب به خاموشیش داد باید جواب
(همان: ۹۸۰).

این نکته نغز، آداب سلوک در قرآن کریم را فرایاد می آورد؛ آن جا که متذکر می شود بندگان
خدای رحمان در برابر گفتار و کردار بیهوده گویان جاهل با بزرگواری رفتار می کنند (قصص
۵۵؛ فرقان: ۷۲).

۲-۳-۵-۳- خاموشی از بی تابی

از مواضع دیگر سکوت مطلوب، بردباری و صبر در برابر ناملایمات و زبان به شکوه ناگشودن
است. خواجه نصیر در ادب صبر بر مسایل می گوید: «صبر جلوگیری کند باطن را از بی تابی، و
زبان را از شکایت، و اعضا را از کارهای خلاف عادت» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۲). این در حالی
است که باطن و قلب انسان ناشکیبا مضطرب و متزلزل است و زبانش به شکایت پیش هر کس و
ناکس باز است؛ لذا می بینیم که یکی از صفات مردم مدینه فاضله آن است که در برابر سرنوشت
و مقدرات، سر نمی تابند و چون و چرا نمی کنند:

به هر سان که ما را رسد خوب و زشت سر خود نتایم از آن سرنوشت

به هر چه آفریننده کرده ست راست نگویم که «این چون و آن از کجاست؟»
(نظامی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۳)

این موضوع در امور زندگی روزمره نیز رخ می دهد؛ مثلا گاه وجه کفاف و معیشت انسان در
سختی و تنگنا قرار می گیرد. توصیه تعلیمی شاعر با رویکردی اجتماعی آن است که انسان، زبان
از شکایت بر بندد که از خیر و مصلحتی به دور نخواهد بود (همان: ۹۴). گاه، نگاه ما به وقایع و
پرگویی، نازل بلا می شود. سخن رسول اکرم (ص) که فرمود: «إِنَّ الْبَلَاءَ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ» حاوی این
نکته است:

جز آدمیان هر آنچه هستند بر شقّه قانعی نشستند...

گر فوت شود یکی نواله‌ت
بر چرخ رسد نفیر و ناله‌ت
گر تر شودت به قطره‌ای بام
در ابر زبان کشی به دشنام

(نظامی، ۱۳۸۳: ۳۹۹)

۳- نتیجه‌گیری

از مطالعه منظومه نظامی برمی‌آید که تعلیم و تربیت، بر تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی است. حکیم نظامی در منظومه‌های خویش، تنها به داستان‌پردازی و هنرنمایی نپرداخته‌است، بلکه اهتمام وی به تربیت نفوس انسانی در سخن از ویژگی‌های مبانی فکری و تربیتی اوست. نظامی، پرورش و تربیت استعدادها درونی و خدادادی را به همراه جهد و کوشش فرد کارساز می‌داند و در ضمن آن به نقش اساسی تعلیم نیز توجه دارد. معیارهای منطقی و عقلی که حکیم نظامی برای بازشناخت جایگاه زبان در تربیت و تهذیب نفسانی به مخاطب عرضه می‌کند، با رویکرد دینی و باورهای اسلامی وی نیز پیوند دارد.

نظامی فلسفه برخی آفات زبانی را در بروز صفاتی می‌داند که از جاده تعادل خارج شده‌است. از دیدگاه وی، پرگویی، برخاسته از جهالت و سستی عقل است؛ در حالی که سنجیده‌گویی و نرم‌زبانی در تعاملات اجتماعی، ناشی از فرزاندگی و خردورزی است. منشأ برخی غم و اندوه‌های فردی یا اجتماعی، دروغ است؛ تفاخر و لاف‌زنی بر روان جامعه تأثیر منفی دارد. زبان به شکوه گشودن و یا افشای راز از ناشکیبایی خبر می‌دهد و در پوستین خلق افتادن، ریشه در حقد و حسادت دارد. عامل عیب‌جویی را باید در تندخویی و غفلت از عیوب خود جست. عیب‌جویان در صورت پرده‌پوشی و یا فراتر از آن با اصلاح عیوب دیگران (به جای پرده‌داری) از این آفت در امان خواهند ماند. بی‌آزمی، گستاخی در گفتار را در پی دارد. پیامد چنین افراطی، دل‌زدگی مستمع و بی‌اثری کلام خواهد بود. زیاده‌روی در هر کار، نشان از عدم تعادل در قوه شهویه دارد؛ ولی میانه‌روی، دلالت بر عفت است. این مواضع با گفتارهای تربیتی اخلاق‌پژوهان همسویی دارد. او به تأثیر مثبت یا منفی طبع و گوهر بر گفتار باور دارد. جسم سالم در سلامت

عقل بی‌تأثیر نیست. رعایت اقتضای حال و مقام، حفظ اعتدال و میانه‌روی در بهره‌وری از نیروهای درون، مهم‌ترین رویکردهای تربیتی و اخلاقی حکیم در کاربرد زبان برای تهذیب نفس و در تعامل با جامعه است. این موارد، برخی از معیارهایی است که حکیم نظامی برای زبان در سلوک رهروان قایل است.

منابع

- ۱- قرآن مجید. (۱۳۷۹). ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: دارالقرآن الکریم.
- ۲- احتشامی هونه‌گانی، خسرو. (۱۳۷۲). «زبان‌های از زبان نظامی». مجموعه مقالات بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی. به اهتمام منصور ثروت، ج ۱، تبریز: دانشگاه تبریز، صص ۱۱۸-۱۲۹.
- ۳- اسدی گرمارودی، محمد. (۱۳۶۹). درس‌هایی از تربیت انسانی (تعلیم و تربیت، اخلاق و خودسازی). چاپ دوم. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- ۴- اسفندیاری، محمد. (۱۳۹۰). «گفتار، جزیی از کردار». فصلنامه علمی-فرهنگی پیام. شماره ۱۰۶، صص ۵۶-۶۵.
- ۵- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۳۷). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه و نگارش: محمدعلی انصاری قمی. تهران: افست.
- ۶- بهاء ولد، سلطان‌العلماء بهاء‌الدین محمد بلخی. (۱۳۸۲). معارف. ۲ جلد. چاپ سوم. تهران: طهوری.
- ۷- بهشتی، سعید؛ نیکویی، روشنک. (۱۳۸۹). «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام». روان‌شناسی تربیتی. شماره ۱۸، صص ۱۵۳-۱۷۹.

- ۸- بیلگن، عبدالسلام. (۱۳۷۲). «پند و اندرز و جنبه‌های تربیوی در اشعار نظامی». مجموعه مقالات بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی. به اهتمام منصور ثروت. ج ۱. تبریز: دانشگاه تبریز، صص ۲۵۹-۲۶۸.
- ۹- تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۳). *معادشناسی*. ۱۰ جلد. چاپ یازدهم. مشهد: انتشارات ملکوت نور قرآن.
- ۱۰- ثروت، منصور. (۱۳۷۰). *گنجینه حکمت در آثار نظامی*. تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۲). *اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای*. تبریز: آیدین.
- ۱۲- حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۰). «اخلاق از نظر نظامی». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی. ج ۱. به اهتمام منصور ثروت: تبریز، صص ۴۷۳-۴۷۹.
- ۱۳- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. چاپ بیست و یکم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۴- ربّانی، محسن. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی تربیت دینی*. قم: مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی.
- ۱۵- رشیدی، شیرین. (۱۳۹۷). «بنیان‌ها و روش‌های تربیت انسان مؤدب از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی». پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی. شماره ۴۱، صص ۹۱-۱۱۵.
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد*. تهران: سخن.
- ۱۷- سلحشوری، احمد. (۱۳۹۰). «حدود و ثنور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. شماره ۶، صص ۴۱-۵۶.
- ۱۸- السّلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین. (۱۳۶۹). *مجموعه آثار السّلمی*. ۳ جلد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ۱۹- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۷). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- ۲۰- شیروانی، زین العابدین. (۱۳۱۵). *بستان السیاحه*. تهران: احمدی.
- ۲۱- صادقی، ریحانه. (۱۳۸۹). *تجلی عرفان در اندیشه نظامی گنجهای*. مشهد. مؤسسه فرهنگی پیوند با امام (ع).
- ۲۲- علوی، سیدحمیدرضا. (۱۳۸۷). *تجلی تعلیم و تربیت در ادب فارسی*، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ۲۳- غزالی، محمد. (۱۳۶۸). *کتاب الاربعین*، ترجمه برهان الدین حمدی. تهران: اطلاعات.
- ۲۴- فلاحی، کیومرث. (۱۳۷۳). «شهر خوبان، گذری در آرمانشهر نظامی گنجوی». *مجله تعاون*. دوره جدید، شماره ۳۴، صص ۲۲-۲۷.
- ۲۵- قاسمی پور، قدرت. (۱۳۹۰). «ترکیب سازی های واژگانی در پنج گنج نظامی». *متن شناسی ادب فارسی*، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ۲۶- قبادی، حسینعلی و دیگران. (۱۳۹۱). «پیام های انسانی نظامی برای دغدغه های انسان معاصر». *کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۲۵، صص ۵۷-۸۶.
- ۲۷- ماهروبختیاری، حجت الله؛ رشیدی، محمد مهدی؛ علی محمدی، معصومه. (۱۳۹۷). «مؤلفه ها و شاخص های تربیت اسلامی از نظر قرآن کریم»، *مجله معرفت*. سال ۲۷، شماره ۱۱. (پیاپی: ۲۵۴)، صص ۲۳-۳۳.
- ۲۸- محرمی رامین؛ سروری، اعظم. (۱۳۹۲). «هویت انسان در پنج گنج نظامی گنجوی». *متن شناسی ادب فارسی*. شماره ۱۷، صص ۲۹-۴۴.
- ۲۹- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*. حمیدرضا شیخی، ج ۲، قم: دارالحديث.

- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). **تفسیر نمونه**. (تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید...). با همکاری جمعی از نویسندگان. جلد ۲۲. چاپ سی و چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱- ممقانی، عبدالله. (۱۳۶۴). **مرآت الرّشاد- آیینة هدايت**. ترجمه باقر غباری. تهران جهاد دانشگاهی.
- ۳۲- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۱). **کشف الأسرار و عدة الأبرار**. (دوره ۱۰ جلدی). جلد پنجم. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر.
- ۳۳- میرهاشمی، سیدمرتضی. (۱۳۷۱). «**نکته‌ای چند درباره شعر نظامی**». فرهنگ. شماره ۱۰. صص ۴۳۹-۴۵۰.
- ۳۴- نجارزادگان، فتح‌الله. (۱۳۸۶). **رهیافتی به اخلاق و تربیت اسلامی**. قم: معارف.
- ۳۵- نجم رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۶). **مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد**. به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۶- نراقی، احمد. (۱۳۷۸). **معراج السعادة**. چاپ ششم، قم: مؤسسه دار هجرت.
- ۳۷- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۳). **خمسه نظامی**. تصحیح وحید دستگردی. مقدمه و تصحیح سامیه بصیر مژده‌ی، بازنگریسته بهاء‌الدین خرّم‌شاهی. تهران: دوستان.
- ۳۸- ----- (۱۳۸۱). **کلیات خمسه نظامی**. مطابق با نسخه وحید دستگردی، چاپ سوم، تهران: پیمان.
- ۳۹- نیکزاد، محمود. (۱۳۷۱). **کلیات فلسفه تعلیم و تربیت**. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۴۰- وحدتی شبیری، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۴). **پایه‌های اخلاقی تهذیب نفس از منظر اصول کافی**. قم: بوستان کتاب.
- ۴۱- وفائی همدانی، سید کاظم. (۱۳۵۳). **دره بیضاء در پیرامون سخنان امام رضا (ع)**. تهران: آفتاب.

- ۴۲- هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۳). *کشف المحجوب*. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. تهران: سروش.
- ۴۳- هدایتی، علی. (۱۳۹۰). «تعلیم و تربیت در اندیشه ابوعلی مسکویه و فاضل نراقی». معرفت اخلاقی. سال دوم، شماره چهارم، صص ۷۳-۱۰۰.